

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۶ جون ۲۰۲۵

گزارش جدید آژانس، موضع جدید امریکا و اروپا در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی!

روایت‌های متناقض از مذاکرات امریکا و ایران بر سر فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی در رسانه‌های غربی مطرح می‌شود از این که امریکا قصد ندارد تحریم‌های جدید علیه ایران اتخاذ کند تا محتوای پیشنهاد امریکا به ایران و تاکید ترمپ مبتنی بر این که «اجازه هیچ‌گونه غنی‌سازی نمی‌دهیم» به‌نظر می‌رسد هیأت‌های مذاکره‌کننده ایران و امریکا، در پشت پرده بده‌بستان‌های زیادی دارند اما در رسانه‌ها هر کدام آهنگ خود را می‌زنند.

دونالد ترمپ، رئیس‌جمهوری امریکا، سه‌شنبه ۱۳ خرداد اعلام کرد که واشینگتن به هیچ‌وجه به ایران اجازه نخواهد داد تا اورانیوم، غنی‌سازی کند. او در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» نوشت: «طبق توافق احتمالی ما با تهران، به هیچ‌وجه اجازه هیچ‌گونه غنی‌سازی اورانیوم را نخواهیم داد.» ترمپ در پیام دیگری افزود: «در حال انباشت بی‌سابقه سلاح هسته‌ای و امیدواریم ناچار به استفاده از آن‌ها نشویم.»

این پیام در حالی مطرح شد که «آکسیوس» دوشنبه به نقل از منابع آگاه امریکائی آورد که پیشنهاد توافق هسته‌ای ارائه‌شده از سوی ایالات متحده به ایران، به تهران اجازه می‌دهد برای مدت محدودی، غنی‌سازی اورانیوم در سطح پائین را ادامه دهد.



تا سقف ۳ درصد

همین منابع اعلام کردند که پیشنهاد ارائه‌شده از سوی امریکا به ایران اجازه می‌دهد غنی‌سازی اورانیوم تا سقف ۳ درصد ادامه یابد و شامل برچیدن کامل تاسیسات هسته‌ای ایران نمی‌شود.

طبق این طرح، تحریم‌ها تنها در صورتی لغو خواهند شد که ایران «تعهد واقعی» خود را نشان دهد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز این تعهد را تأیید کند.

بر اساس این پیشنهاد، ایران اجازه نخواهد داشت تاسیسات جدیدی برای غنی‌سازی ایجاد کند و باید زیرساخت‌های مهم مربوط به تبدیل و فرآوری اورانیوم را برچیند.

همچنین از ایران خواسته خواهد شد تحقیقات و توسعه مرتبط با نسل‌های جدید سانتریفیوژ را متوقف کند. از سوئی یک دیپلمات ارشد ایرانی دوشنبه اعلام کرد که تهران قصد دارد این پیشنهاد امریکا برای حل مناقشه هسته‌ای را رد کند و آن را «غیرقابل اجرا» و بی‌توجه به منافع ایران توصیف کرد. «رویترز» نیز به نقل از این دیپلمات ارشد ایرانی نوشت که این پیشنهاد امریکا دربردارنده هیچ تغییری در موضع واشینگتن نسبت به غنی‌سازی اورانیوم نیست.

همزمان، منابع آگاه امریکائی فاش کردند که در این پیشنهاد، احتمال تشکیل یک کنسرسیوم منطقه‌ای برای غنی‌سازی اورانیوم مطرح شده است؛ همچنین در ازای موافقت تهران با عدم غنی‌سازی در خاک خود، ممکن است تحریم‌های امریکا لغو شود - امری که پیش‌تر نیز در گزارش‌های مطبوعاتی به آن اشاره شده بود. با این حال، تمامی مقام‌های ایرانی طی ماه‌های گذشته به‌صراحت تأکید کرده‌اند که چشمپوشی از حق غنی‌سازی، خط قرمز تهران است؛ در حالی که امریکا همچنان بر این خواسته پافشاری می‌کند.

اختلاف اصلی

نقطه اختلاف اصلی در این گزارش‌ها همانند موضع طرفین مذاکرات، مسأله غنی‌سازی اورانیوم است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا روز دوشنبه در شبکه اجتماعی «تروئتسوشال» تأکید کرد که واشنگتن در توافق احتمالی پیش‌رو با تهران اجازه «هیچ‌گونه غنی‌سازی اورانیوم» را به جمهوری اسلامی ایران نمی‌دهد.

رویترز روز دوشنبه دوم ژوئن، در گزارشی به نقل از یک دیپلمات ایرانی اعلام کرد که موضع امریکا درباره غنی‌سازی در خاک ایران در پیشنهاد ارائه شده تغییری نکرده و تهران درحال تهیه پاسخ منفی به این پیشنهاد است.

این دیپلمات گفت: «موضع امریکا درباره غنی‌سازی در خاک ایران در این پیشنهاد تغییری نکرده و همچنین هیچ توضیح روشنی درباره لغو تحریم‌ها ارائه نشده است...» او افزود که بنابر ارزیابی «کمیته مذاکرات هسته‌ای ایران» که تحت نظارت علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند، پیشنهاد امریکا «کاملاً یک‌طرفه» است و نمی‌تواند منافع تهران را تأمین کند.

این دیپلمات گفت: «از نظر تهران، این پیشنهاد بی‌پایه و اساس بوده و تلاش یک‌جانبه برای تحمیل یک "توافق بد" به ایران از طریق خواسته‌های بیش از حد تلقی می‌شود.»

سی‌ان‌ان، همچنین اعلام کرده که موضع امریکا درباره غنی‌سازی اورانیوم در پیشنهاد جدید تغییر کرده و ممکن است با سرمایه‌گذاری در برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران به کنسرسیومی بپیوندد که بر غنی‌سازی اورانیوم با غلظت پائین در ایران برای مدتی نظارت داشته باشد.

به گزارش سی‌ان‌ان، انتظار می‌رود که این کنسرسیوم شامل کشورهای خاورمیانه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد. پیشنهاد تشکیل کنسرسیوم در مذاکرات کنونی ایران و امریکا نخستین بار از سوی نیویورکتایمز و پس از دور چهارم مذاکرات گزارش شد. این موضوع یکی از نقاط مشترک در همه روایت‌ها از پیشنهاد اخیر و مکتوب واشنگتن به تهران است. مقامات ایرانی بارها اعلام کرده‌اند که با ایده تشکیل کنسرسیوم غنی‌سازی مخالفتی ندارند، اما ایران باید کنترل توانمندی‌های غنی‌سازی خود در داخل کشور را حفظ کند.

تازه‌ترین موضع‌گیری خامنه‌ای

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در تازه‌ترین موضع‌گیری خود درباره مذاکرات هسته‌ای، پیشنهاد اخیر ایالات متحده را با «منافع ملی» ایران همسو ندانست و گفت: «پاسخ ما به یاهوگوئی‌های دولت پر سر و صدای امریکا معلوم است.»

خامنه‌ای در مراسم سالگرد درگذشت آیت‌الله خمینی گفت: «غنی‌سازی اورانیوم یک مسأله اصلی و کلیدی در صنعت هسته‌ای است و دشمن روی آن انگشت گذاشته است.»

«اگر صدتا نیروگاه هسته‌ای داشته باشیم اما غنی‌سازی نداشته باشیم به درد ما نمی‌خورد. اگر غنی‌سازی نداشته باشیم باید دست دراز کنیم به سمت امریکا و آنها چندین شرط برای ما بگذارند.»

او این اظهارات را در حالی مطرح کرد که امریکا پیشنهاد مکتوب هسته‌ای خود را از طریق عمان به ایران ارائه داده است. ایران هم اعلام کرده است که «ظرف روزهای آینده» بر اساس «مواضع اصولی خود» و «منافع مردم» به پیشنهاد امریکا پاسخ خواهد داد.

اصلی‌ترین اختلاف ایران و امریکا در مذاکرات اخیر بر سر غنی‌سازی اورانیوم در داخل ایران است که واشنگتن خواهان توقف کامل آن است و تهران آن را «غیرقابل مذاکره» می‌داند.

پس از آن‌که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، در روزهای گذشته بر لزوم توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران تاکید کرد، عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، هم دیروز «خط قرمز» تهران را «غنی‌سازی اورانیوم در ایران» خواند.

امروز ۱۴ خرداد ۱۴۰۴ - ۴ ژوئن ۲۰۲۵، هم خامنه‌ای با اشاره به این که «امریکا می‌خواهد ایران صنعت هسته‌ای نداشته باشد»، گفت «سردمداران بی‌ادب و گستاخ امریکا این خواسته را با زبان‌های مختلف تکرار می‌کنند.»

آیت‌الله خامنه‌ای گفت: «به طرف امریکائی می‌گوئیم شما چه کاره‌اید؟ چرا دخالت می‌کنید که ایران باید غنی‌سازی داشته باشد یا نه، به شما چه؟»

او بار دیگر ضمن هشدار به امریکا و اسرائیل گفت: «این‌ها هم در این باره هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.» خامنه‌ای گفت که ایران «توانست دارای چرخه کامل سوخت هسته‌ای بشود» و این «یعنی امروز قادر هستیم سوخت هسته‌ای را از معدن تا خود نیروگاه تولید کنیم و پیش ببریم.»

به گفته او، «تعداد کشورهایی که این توانائی را دارند از تعداد انگشتان یک دست کمتر است.» خامنه‌ای گفت: «تعطیل کردن صنعت هسته‌ای یعنی این تعداد جوان و دانشمندی که طی این سال‌ها تربیت کردیم از آینده کشور ناامید کنیم.»

آیت‌الله خامنه‌ای «مسأله هسته‌ای» را «یک مسأله ملی» و «صنعت هسته‌ای» را «یک صنعت مادر و اصلی» توصیف کرد.

او در این سخنرانی با یادآوری استقلال به عنوان یکی از اهداف انقلاب گفت: «ملت ایران منتظر چراغ سبز و قرمز امریکا نباشد.»

بسیاری از مقام‌های عالی ایران از جمله مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، در این سخنرانی حضور داشتند.

غنی‌سازی در خاک ایران

از سوی دیگر، اکسیوس روز دوشنبه به نقل از دو منبع آگاه یکی از آن‌ها جز به جز پیشنهاد امریکا را تشریح کرده، اعلام کرد که این پیشنهاد برای مدت مشخص و هنوز تعیین نشده به ایران اجازه غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود را می‌دهد. چنین اجازه‌ای کاملاً در تناقض با اظهارات پیشین مقامات ارشد امریکا است.

به گزارش اکسیوس، به نظر می‌رسد که پیشنهاد واشنگتن که شامل «ایده‌های اولیه» برای بحث در دورهای بعدی مذاکرات است، مسیر روشنی برای توافق ارائه داده است.

بنابر این گزارش، در پیشنهاد امریکا ایران اجازه ساخت تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید را نخواهد داشت و باید «زیرساخت‌های حیاتی برای تبدیل و فرآوری اورانیوم» را برجیند. ایران همچنین ملزم به توقف تحقیق و توسعه جدید در زمینه سانتریفیوژها می‌شود.

به گزارش اکسیوس، بر اساس این پیشنهاد، توافق هسته‌ای جدید بر تشکیل یک کنسرسیوم منطقه‌ای برای غنی‌سازی اورانیوم متمرکز است.

بنابر این گزارش، از جمله شرایط این کنسرسیوم این است که ایران مجاز به توسعه ظرفیت داخلی غنی‌سازی فراتر از مقدار لازم برای اهداف غیرنظامی نخواهد بود.

همچنین جمهوری اسلامی ایران پس از امضای توافق باید غلظت غنی‌سازی خود را به‌طور موقت به ۳ درصد کاهش دهد که مدت زمان این کاهش غلظت در مذاکرات تعیین می‌شود.

تاسیسات زیرزمینی غنی‌سازی اورانیوم ایران باید برای مدت مورد توافق دوطرف «غیرفعال» شوند و فعالیت غنی‌سازی اورانیوم در تاسیسات روی زمین ایران نیز موقتاً به سطح مورد نیاز برای سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای و طبق دستورالعمل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محدود می‌شود.

بنابر این پیشنهاد، توافق منجر به ایجاد «سیستم نظارتی و راستی‌آزمایی قدرتمند» به انضمام تائید فوری پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌شود.

نیویورکتایمز نیز روز شنبه در گزارشی به نقل از مقامات آگاه به مذاکرات ایران و امریکا، به محتوای پیشنهاد امریکا پرداخت.

بنابر این گزارش، امریکا در این سند خواستار توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران و تشکیل یک کنسرسیوم منطقه‌ای با حضور ایران، عربستان سعودی، کشورهای عرب و امریکا برای تولید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز شده است.

عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران روز شنبه از دریافت پیشنهاد توافق هسته‌ای امریکا از طریق بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان خبر داد و گفت که تهران «بر اساس اصول، منافع ملی و حقوق مردم ایران به آن پاسخ مقتضی» خواهد داد.

عراقچی روز یکشنبه اعلام کرد که تهران در حال آمادسازی جواب پیشنهاد امریکا است.

رویترز هفته گذشته به نقل از دو مقام گزارش داد که ایران به شرط این که ایالات متحده دارائی‌های مسدود شده‌اش را آزاد کند و حق تهران برای غنی‌سازی غیرنظامی را در قالب «تفاهمنامه سیاسی» به رسمیت بشناسد، ممکن است با توقف موقت غنی‌سازی موافقت کند.

مهمترین مسأله برای جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای مسأله لغو تحریم‌هاست. به گزارش اکسیوس، در پیشنهاد ارائه شده آمده است که تحریم‌های وضع‌شده علیه جمهوری اسلامی ایران تنها زمانی لغو خواهند شد که تهران «تعهد واقعی» خود را به برقراری شرایط مورد نظر امریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان دهد.

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه گفت: «اطمینان از خاتومه تحریم‌هائی که چند دهه علیه ایران اعمال شده برای ما بسیار مهم است. متأسفانه تا الان طرف امریکائی حاضر به شفاف‌سازی در این ارتباط نشده است.»

گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتومی

گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتومی که برخی خبرگزاری‌ها آن را مشاهده کرده، از افزایش چشمگیر ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران خبر می‌دهد؛ سطحی که فاصله اندکی با میزان ۹۰ درصدی مورد نیاز برای تولید سلاح هسته‌ای دارد.

بر اساس این گزارش، میزان اورانیوم با غنای ۶۰ درصد ایران تا تاریخ ۱۷ مه ۲۷ اردیبهشت به ۴۰۸/۶ کیلوگرم رسیده است. عددی که افزایشی معادل ۱۳۳/۸ کیلوگرم طی سه ماه گذشته را نشان می‌دهد. این در حالی است که در بازه زمانی پیشین، این افزایش تنها ۹۲ کیلوگرم بوده است. در مجموع، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران، اکنون برآورد می‌شود که بیش از ۴۵ برابر سقف تعیین‌شده در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ موسوم به برجام است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتومی در این گزارش هشدار داده است: «این افزایش قابل‌توجه از سوی تنها کشور غیر دارنده سلاح هسته‌ای که چنین موادی را تولید می‌کند، نگرانی‌های شدیدی برانگیخته است.»

در واکنش، اسرائیل که بارها ایران را به بمباران تاسیسات هسته‌ای تهدید نموده، جمهوری اسلامی را متهم کرده که «مصرانه در پی تکمیل برنامه تسلیحات هسته‌ای خود» است. در بیانیه‌ای که روز شنبه از سوی دفتر بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل منتشر شده، از جامعه بین‌المللی خواسته شده تا «همین حالا برای متوقف کردن ایران اقدام کند.» افشای این گزارش هم‌زمان شده با تداوم مذاکرات ایران و آمریکا برای توقف روند تشدید تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای. اختلاف اصلی همچنان بر سر میزان غنی‌سازی اورانیوم است. واشنگتن خواهان توقف کامل آن است اما تهران این درخواست را رد می‌کند و آن را در تضاد با «حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» بر اساس پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا همان ان.پی.تی می‌داند.

عباس عراقچی روز شنبه در یک سخنرانی گفت: «اگر موضوع سلاح هسته‌ای باشد، از نظر خود ما هم مردود است و ایران هم پرچمدار نفی سلاح‌های هسته‌ای بوده و هست.» او با اشاره به موضع آمریکا افزود: «در این موضوع با آن‌ها شریک هستیم.»

با این‌حال، بسیاری از کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده و همچنین اسرائیل، که به گفته برخی کارشناسان تنها قدرت هسته‌ای خاورمیانه است، نسبت به اهداف نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران مشکوک هستند. در مقابل، مقامات جمهوری اسلامی، همواره تأکید کرده‌اند که هیچ‌گونه برنامه‌ای برای دستیابی به سلاح هسته‌ای ندارد و تنها به دنبال بهر‌مگیری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز در اظهاراتی اعلام کرده که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و تأکید کرده که دو کشور «نسبتاً» به توافق نزدیک شده‌اند. با این‌حال، عراقچی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس گفته است که هنوز «مطمئن نیست» توافقی در آینده نزدیک حاصل شود.

جزئیاتی از گزارش آژانس

پس از انتشار گزارش آژانس، لارنس نورمن، خبرنگار وال استریت جورنال که خبرهای هسته‌ای جمهوری اسلامی را پوشش می‌دهد و این گزارش را هم مطالعه کرده است، نوشت «بسیاری از اطلاعات این گزارش تا حدی شناخته‌شده بودند، اما برخی جزئیات جالب توجه‌اند.»

برخی جزئیات این گزارش را که خبرنگار وال استریت جورنال به آن‌ها اشاره کرده، در ادامه می‌خوانید.

لویزان-شیان:

«اورانیوم طبیعی حفاری‌شده، پردازش‌شده و در تولید منابع نوترونی با محرک انفجاری (EDNS)، که همچنین به آن‌ها «آغازگر نوترونی» گفته می‌شود) در سایت لویزان-شیان در دست‌کم دو مورد در سال ۲۰۰۳ استفاده شد. این منابع نوترونی از مقادیر اندکی اورانیوم طبیعی یا تهی‌شده استفاده می‌کنند و طوری طراحی شده‌اند که با تولید نوترون در پاسخ به موج شوک انفجاری، یک دستگاه هسته‌ای را فعال کنند.»

ارزیابی آژانس: «EDNS تولیدشده در لویزان مقیاس کوچک داشتند و برای تست طراحی شده بودند. این منابع در سامانه‌های انفجاری مقیاس‌دار ادغام و در سال ۲۰۰۳ دو بار آزمایش انفجاری شدند.»

«علاوه بر این، ارزیابی آژانس نشان می‌دهد که تجهیزاتی در لویزان-شیان توسعه و آزمایش شده‌اند که شامل آشکارسازهای نوترونی و محفظه‌های آن‌ها بودند. محفظه‌های مشابه برای آشکارساز نوترونی در آزمایش انفجاری در مریوان در ۱۵ آوریل ۲۰۰۳ به‌کار گرفته شد.»

آژانس معتقد است حدود ۱۰ کیلوگرم فلز اورانیوم طبیعی، که ایران اعلام نکرده بود، توسط مؤسسه فیزیک کاربردی در لویزان در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ استفاده شده است.

آژانس تأکید می‌کند که تحقیقاتش درباره لویزان «حل‌وفصل‌شده» نیست، بلکه فقط دیگر امکانی برای پیگیری بیشتر نداشته است. «آژانس یادآور می‌شود که عبارت «در این مرحله دیگر مطرح نیست» به‌معنای «حل‌شده» نیست. در واقع، ارزیابی آژانس تغییری نکرده است.»

«یعنی این‌که لویزان-شیان مکانی بود که مواد هسته‌ای اعلام‌نشده در آن نگهداری و پردازش شده‌اند تا اجزائی برای آزمایش‌های مرتبط با دستگاه‌های هسته‌ای تولید شود، و ایران این مواد هسته‌ای و فعالیت‌های مرتبط را اعلام نکرده است.»

این موارد منجر به مسأله‌ای پیچیده‌تر شده است: آژانس معتقد است ایران میزان اورانیومی را که قبلاً در لویزان روی آن کار شده بود، هنگام انحلال بخشی از آن در سال ۲۰۲۲ کمتر از واقع گزارش داده است.

آژانس در این باره می‌گوید: «مقدار ماده هسته‌ای حساب‌نشده نشان می‌دهد که اورانیوم فلزی بیشتری از حدود ۱۰ کیلوگرمی که قبلاً ارزیابی شده بود، در اختیار مؤسسه فیزیک کاربردی بوده که در سایت لویزان-شیان فعالیت می‌کرد. مکان کنونی این ماده هسته‌ای همچنان برای آژانس نامشخص است. بنابراین آژانس نمی‌تواند مشخص کند که آیا این ماده مصرف شده، با مواد اعلام‌شده ترکیب شده یا همچنان خارج از نظام پادمانی باقی مانده است.»

سایت مریوان

«ارزیابی اطلاعات در دسترس آژانس نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۳ ایران چندین آزمایش انفجاری در این مکان انجام داد. در چهار مورد از این آزمایش‌ها، ایران از سامانه‌های انفجاری نیم‌کره‌ای کامل استفاده کرد و این آزمایش‌ها را با دست‌کم یک دوربین پرسرعت ثبت کرد. همچنین ایران آماده شد تا در آزمایش‌های بعدی در این محل از تجهیزات آشکارساز نوترونی استفاده کند، و در ۱۵ آوریل ۲۰۰۳ یک آزمایش آماده‌سازی برای سپر انفجاری این تجهیزات انجام داد.»

آژانس موضوعی را یادآوری می‌کند که از قبل مشخص شده بود: پس از آن‌که نمونه‌هایی از اورانیوم در تورقوزآباد پیدا شد، ایران شروع به تخریب سایت مریوان کرد. سپس دسترسی آژانس به مریوان را به تأخیر انداخت و بعداً اجازه نمونه‌برداری داد. پس از آن، «آژانس مشاهده کرد که پناهگاه‌های منطقه آزمایش‌های انفجاری مریوان برداشته شده‌اند». آژانس دلیلش را پرسید، و ایران پاسخی داد که «از نظر فنی معتبر نبود».

«بر پایه ارزیابی‌های بیش‌تر از اطلاعات مرتبط با پادمان، آژانس بر این باور است که ایران در سال ۲۰۰۳ قصد داشت تولید منابع نوترونی را در مریوان ادامه دهد، که این کار نیازمند استفاده از مقادیر اندکی اورانیوم طبیعی یا تهی‌شده بود بود.»

ایران بعدها ادعا کرد ذرات اورانیوم ممکن است منشائی از فعالیت‌های معدنی یک کشور عضو دیگر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی داشته باشند. (در واقع اتحاد جماهیر شوروی) این ادعا باعث شد آژانس پرونده مریوان را کنار بگذارد، هرچند به این ادعا تردیدهای زیادی وارد بود.

آژانس اکنون یادآور شده است که همانند لويزان، کنار گذاشتن پرونده به معنای «حل‌وفصل» آن نیست. آژانس می‌گوید ارزیابی‌اش «در واقع همچنان این است که ایران در سال ۲۰۰۳ چندین آزمایش انفجاری در این مکان انجام داد. این آزمایش‌ها از سامانه‌های انفجاری کامل استفاده کردند و با دست‌کم یک دوربین پرسرعت ثبت شدند. ایران همچنین قصد داشت در آزمایش‌های آینده از آشکارسازهای نوترونی استفاده کند و برای این آزمایش‌ها سپر محافظ آن‌ها را نیز آزمود.»

سایت ورامین

آژانس می‌گوید این مکان با لويزان و مرکز تحقیقات فیزیک هسته‌ای مرتبط بوده است. زمانی که ایران بخشی از برنامه هسته‌ای خود را در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ تعطیل کرد، مواد -از جمله مواد هسته‌ای- از ورامین «دسته‌بندی، مرتب‌سازی و منتقل شدند».

«این تجهیزات شامل تمام وسایل ضروری برای یک تاسیسات تبدیل اورانیوم بودند، از جمله سیلندرهای کوچک ولی به‌شدت آلوده UF6 (و احتمالاً پر)، مواد استخراج اورانیوم مثل تری‌بوتیل فسفات، تجهیزات استخراج و تبدیل اورانیوم، مواد شیمیائی مبتنی بر فلورور (مثل اسید هیدروفلوریک و پتاسیم دی‌فلورید) و تجهیزات پایش تابش.»

آژانس می‌گوید ایران هشت مورد از ۱۳ محموله مواد را «غیرضروری» و پنج مورد را «ضروری» طبقه‌بندی کرد. یکی از این پنج مورد شامل «سیلندرهای UF6 کوچک» و سایر «مواد خاص» بود. همه این موارد به‌عنوان دارای «بالاترین سطح آلودگی» طبقه‌بندی شدند.

در سال ۲۰۲۰ ایران بار دیگر دسترسی آژانس را به تأخیر انداخت، اما در نهایت اجازه نمونه‌برداری داده شد و آژانس آثار اورانیوم ساخت انسان را شناسائی کرد. طبق گزارش، «کانتینرهای منتقل‌شده از ورامین در زمان توقف فعالیت‌ها... در نهایت به تورقوزآباد منتقل شدند» و تا سال ۲۰۱۸ در آنجا نگهداری می‌شدند.

حکومت ایران از آن زمان تاکنون چندین توضیح درباره منشأ این مواد ارائه داده که آژانس آن‌ها را «از نظر فنی نامعتبر» دانسته؛ از جمله این‌که این مواد ناشی از خرابکاری بوده‌اند. سال گذشته، ایران حتی ادعا کرد که در ورامین هیچ سایتی که آژانس باید از آن مطلع می‌بود، وجود نداشته است.

آژانس نتیجه گرفت که ایران در ورامین فعالیت‌های تحقیق و توسعه‌ای در زمینه چرخه سوخت هسته‌ای انجام داده است و این‌که این مکان «یک تاسیسات آزمایشی اعلام‌نشده برای فرآوری و آسیاب سنگ اورانیوم و تبدیل آن به اکسید اورانیوم، و احتمالاً در مقیاس آزمایشگاهی به UF4 و UF6 بوده است».

آژانس می‌گوید «یک تاسیسات تولیدی در مقیاس کامل» نیز برای ادامه کار برنامه‌ریزی شده بود، اما مشخص نیست که این تأسیسات واقعا ساخته شده باشد یا نه. چون ایران پاسخ نداده، آژانس نتیجه می‌گیرد که باز هم نمی‌تواند تعیین کند که آیا مواد هسته‌ای در ورامین مصرف شده، با مواد اعلام‌شده ترکیب شده یا هنوز خارج از نظام پادمان‌اند.

تورقوزآباد

درباره سایت چهارم، یعنی تورقوزآباد، نکته‌ی تازه‌ای نیست. آژانس می‌گوید این موضوع نشان می‌دهد که «مواد هسته‌ای و/یا تجهیزات به‌شدت آلوده که در این مکان نگهداری شده‌اند، منشأ آن‌ها از ورامین، JHL، احتمالا لویزان-شیان و مکان‌های دیگر بوده است.»

«درحالی‌که برخی از کانتینرهای نگهداری‌شده در تورقوزآباد در محل باز شده‌اند، برخی دیگر ممکن است در سال ۲۰۱۸ به‌طور کامل از آن‌جا منتقل شده باشند و به مکانی نامعلوم انتقال یافته باشند.» مکان فعلی این کانتینرها «همچنان نامشخص است.»

در جلسه‌ای که در ۲۸ مه برگزار شد، ایران بار دیگر این توضیح خود درباره منشأ مواد هسته‌ای را مطرح کرد که همه‌چیز نتیجه خرابکاری خارجی بوده است. «ایران ادعا کرد شبکه‌ای مخفی شامل ایرانیان -برخی دارای تابعیت دوگانه- با همکاری اتباع خارجی از دست‌کم سه کشور، دست به فعالیت‌هایی زده‌اند که هدفشان از جمله ایجاد اتهامات ساختگی برای بدنام کردن ایران بوده است.»

آژانس می‌گوید «وقتی از ایران خواسته شد، نتوانست هیچ مدرکی برای فعالیت‌های خرابکارانه در تورقوزآباد ارائه کند، با این‌که در آن مکان دوربین‌های امنیتی فعال بودند.»

آغاز شمارش معکوس برای ارجاع پرونده خامنه‌ای به شورای امنیت

همزمان با مواضع خامنه‌ای درباره برنامه غنی‌سازی اورانیوم که از سوی رسانه‌ها رد پیشنهاد امریکا تعبیر می‌شود، شاهد تلاش‌های جدی اروپا برای تصویب قطع‌نامه جدید علیه ایران هستیم. اقدامی که زمینه‌ساز فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها است و به همین خاطر نگرانی‌ها را در تهران افزایش داده است.

خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال امروز در پیامی در صفحه خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: مطلع شده‌ام امریکا در جلسه هفته بعد شورای حکام آژانس انرژی اتمی درباره عدم همکاری پادمانی رژیم ایران از قطع‌نامه تهیه شده توسط تروئیکای اروپا (آلمان، انگلیس و فرانسه) حمایت خواهد کرد.

لارنس نورمن با استناد به منابع خبری خود گفت: شنیده‌ام این قطع‌نامه شامل برخی نکات مهم درباره عدم پایبندی حکومت است. حمایت امریکا تصویب یک قطع‌نامه را بسیار محتمل می‌سازد.

این اظهارات در شرایطی بیان می‌شود که در حال حاضر تنها نیروگاه هسته‌ای کشور در بوشهر، سوخت خود را از روسیه وارد می‌کند و برنامه هسته‌ای هیچ نتیجه مشخصی در تامین انرژی ایران نداشته و در ماه‌های اخیر، قطعی برق به دلیل ناترازی انرژی، آسیب‌های جدی به بخش صنعت و همچنین زندگی روزمره مردم وارد کرده است.

پس در چنین شرایطی چرا خامنه‌ای حق غنی‌سازی را حق مسلم و خط قرمز خود در مذاکراتش با امریکا و دیگر کشورهای غربی تعیین کرده است؟

واکنش‌های هیستریک خامنه‌ای و سایر مقامات حکومتی در کنار تلاش‌های دیپلماتیک غرب برای مهار این روند، حکایت از ورود به مرحله‌ای حساس در بحران اتمی جمهوری اسلامی دارد؛ مرحله‌ای که می‌تواند با فعال‌سازی مکانیسم تنبیهی ماشه، سرنوشت حکومت خامنه‌ای را تعیین کند.

مکانیزم ماشه

از استفاده از مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل به عنوان نتیجه شکست مذاکرات ایران و امریکا یاد می‌شود. مکانیزم ماشه به فرآیندی گفته می‌شود که به کشورهای اروپایی امضا کننده برجام اجازه می‌دهد در صورت نقض تعهدات از سوی ایران، تمامی تحریم‌های سازمان ملل که پیش‌تر با توافق هسته‌ای لغو شده بودند را دوباره برقرار کنند.

در صورتی که مذاکرات شکست بخورد، فعال شدن مکانیزم ماشه توسط آلمان، فرانسه و بریتانیا می‌تواند بار دیگر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را احیا کند. اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، نخستین تأثیر آن در داخل ایران، افزایش قیمت دلار و طلا خواهد بود؛ موضوعی که پیش‌تر نیز در شرایط مشابه تجربه شده است.

در سطح سیاسی و نظامی، شکست مذاکرات می‌تواند به تشدید مواضع تهاجمی دونالد ترامپ منجر شود. ترامپ پیش‌تر گفته بود که مسأله هسته‌ای ایران یا از طریق دیپلماسی حل می‌شود یا با اقدام نظامی. بنابراین، شکست مذاکرات ممکن است به معنای حرکت امریکا به سمت گزینه نظامی باشد، چه به صورت مستقیم و چه با حمایت از حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران.

با توجه به زیرزمینی بودن مراکز چو نطنز و فردو، بسیاری از کارشناسان نظامی معتقدند که حمله‌ای موفق به این مراکز تنها با مشارکت مستقیم امریکا و استفاده از بمب‌های سنگر شکن سنگین میسر است. در صورت وقوع چنین حمله‌ای، جمهوری اسلامی نیز احتمالا به آن پاسخ خواهد داد و این پاسخ می‌تواند حمله به اسرائیل یا پایگاه‌های امریکا در منطقه باشد؛ که در نتیجه، امریکا را وارد درگیری مستقیم خواهد کرد.

از طرف دیگر گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران، که به زودی در نشست شورای حکام مطرح خواهد شد، بیانگر این است که جمهوری اسلامی از همکاری لازم با آژانس خودداری کرده، به پرسش‌ها درباره فعالیت‌های گذشته‌اش پاسخ نداده و سطح غنی‌سازی را افزایش داده است. طبق این گزارش، ایران اکنون بیش از ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم با غنای بالای ۶۰ درصد در اختیار دارد که برای ساخت حدود ۱۰ بمب اتمی کافی است.

در صورتی که این گزارش منجر به صدور یک قطعنامه شدیدالحن علیه ایران شود، کشورهای اروپایی می‌توانند مکانیزم ماشه را فعال کنند و تحریم‌های سابق سازمان ملل بازگردند.

بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰، شورای امنیت سازمان ملل شش قطعنامه علیه ایران صادر کرد. این تحریم‌ها، اقتصاد ایران را فلج کرد و باعث افت شدید صادرات نفت شد. همان زمان بود که رهبر جمهوری اسلامی با آگاهی از عمق بحران، علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه وقت را مامور کرد تا مخفیانه با امریکا در عمان مذاکره کند. نتیجه آن مذاکرات، در نهایت، توافق برجام شد.

حالا بر اساس گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شکست مذاکرات و بازگشت تحریم‌ها می‌تواند به فروپاشی اقتصادی و دولتی منجر شود. جمهوری اسلامی، در دفاع از برنامه هسته‌ای، همواره بر این نکته تأکید دارد که غنی‌سازی، «حق مردم ایران» است. عباس عراقچی نیز گفته که چون برای این برنامه هزینه زیادی شده، نمی‌توان از آن عقب‌نشینی کرد.

اما پرسش جدی اینجاست: آیا دیگر حقوق مردم، از جمله آب آشامیدنی سالم، برق، بهداشت، مسکن، و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نیز رعایت شده‌اند؟ اگر جمهوری اسلامی هیچ‌گاه از مردم درباره این برنامه هسته‌ای نظر نخواست، چگونه اکنون مدعی است که از «حق مردم» دفاع می‌کند؟

در نهایت، سرنوشت مذاکرات به تصمیم نهائی رهبر جمهوری اسلامی بستگی دارد. او بهخوبی از تبعات توافق یا شکست آن آگاه است. توافق ممکن است بهمعنای عقبنشینی و تحقیر تلقی شود، و شکست مذاکرات میتواند به جنگی منجر شود که بقای جمهوری اسلامی را به خطر بیندازد.

با توجه به تضاد منافع، وضعیت پیچیده بینالمللی، و فشارهای داخلی و خارجی، تصمیمگیری در این مقطع برای نظام جمهوری اسلامی بسیار دشوار است.

شورای امنیت

آخرین بار که شورای حکام آژانس بینالمللی انرژی اتومی رسماً ایران را به نقض تعهدات پادمانی متهم کرد، سپتامبر ۲۰۰۵ بود؛ در جریان بن‌بستی دیپلماتیک که از کشف فعالیت‌های هسته‌ای پنهانی در ایران ناشی شده بود.

ایالات متحده و آژانس بینالمللی انرژی اتومی اکنون بر این باورند که ایران پیش‌تر دارای برنامه‌ای مخفیانه و هماهنگ برای تولید سلاح هسته‌ای بوده که در سال ۲۰۰۳ متوقف شده است. ایران اما همواره داشتن هرگونه برنامه تسلیحات هسته‌ای را انکار کرده و تأکید دارد فعالیت‌های هسته‌ای‌اش صرفاً اهداف صلح‌آمیز دارد.

در قطعنامه‌ای جداگانه که در فوریه ۲۰۰۶ به تصویب رسید، شورای حکام آژانس، عدم همکاری ایران را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش داد؛ شورائی که در ادامه تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرد.

دیپلمات‌ها می‌گویند هنوز مشخص نیست قدرت‌های غربی در چه مرحله‌ای قصد دارند این موضوع را بار دیگر به شورای امنیت ارجاع دهند، و روشن نیست در صورت انجام چنین ارجاعی، شورای امنیت چه اقدام مشخصی علیه ایران خواهد کرد، اگر اصلاً اقدامی صورت گیرد.

مهمترین تأثیر فوری قطعنامه، احتمالاً بر گفت‌وگوهای تهران و واشنگتن و نیز گام‌های بعدی هسته‌ای ایران خواهد بود. یک مقام ارشد ایرانی در گفت‌وگو با خبرگزاری رویترز هشدار داد: «در واکنش به چنین قطعنامه‌ای، تهران فعالیت‌های هسته‌ای خود را بر اساس مفاد قطعنامه گسترش خواهد داد.»

شورای حکام آژانس در سال‌های اخیر، تمامی قطعنامه‌های پیشنهادی قدرت‌های غربی علیه ایران را تصویب کرده و تردید چندانی وجود ندارد که این بار نیز همین‌گونه خواهد بود؛ تنها پرسش این است که میزان حمایت از قطعنامه چه اندازه خواهد بود. روسیه و چین تنها کشورهایی هستند که همواره با این‌گونه قطعنامه‌ها مخالفت کرده‌اند.

ایران همواره به تصویب چنین قطعنامه‌ها یا انتقادهای مطرح‌شده در شورای حکام آژانس واکنش تندی نشان داده و دست به اقداماتی چون تسریع یا گسترش برنامه غنی‌سازی اورانیوم یا منع دسترسی بازرسان ارشد آژانس زده است.

ایران در حال حاضر اورانیوم را تا سطح ۶۰ درصد خلوص غنی‌سازی می‌کند؛ سطحی که به راحتی می‌تواند تا حدود ۹۰ درصد – یعنی سطح مورد نیاز برای ساخت سلاح – غنی‌تر شود. طبق معیارهای آژانس، ایران در حال حاضر به اندازه کافی اورانیوم با این سطح از خلوص در اختیار دارد که در صورت غنی‌سازی بیش‌تر، برای ساخت شش سلاح هسته‌ای کفایت می‌کند.

فاکس نیوز به نقل از نهاد اطلاعاتی اتریش: جمهوری اسلامی فعالانه به دنبال سلاح هسته‌ای است

فاکس نیوز به نقل از یک گزارش اطلاعاتی تازه از مقامات اتریشی، خبر داده است که جمهوری اسلامی همچنان فعالانه به توسعه برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود ادامه می‌دهد؛ برنامه‌ای که به گفته این گزارش، می‌تواند در شلیک راکت‌های دوربرد مورد استفاده قرار گیرد.

فاکس‌نیوز در گزارش خود نوشته است که این یافته‌های نگران‌کننده با ارزیابی دفتر اطلاعات ملی ایالات متحده (ODNI) در تضاد است.

تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی امریکا، در ماه مارس در جلسه کمیته اطلاعات سنای ایالات متحده اعلام کرده بود که جامعه اطلاعاتی امریکا «همچنان معتقد است ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، برنامه سلاح هسته‌ای را که در سال ۲۰۰۳ تعلیق کرده بود، مجدداً فعال نکرده است.»

گزارش اطلاعاتی اتریش

اما دفتر فدرال حفاظت از قانون اساسی اتریش، که معادل پولیس فدرال امریکا در امور امنیت داخلی است، روز دوشنبه گذشته در گزارشی اطلاعاتی نوشت: «جمهوری اسلامی برای پیشبرد و تثبیت جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای، در پی یک بازآرائی تسلیحاتی گسترده است و از جمله برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای به‌منظور مصون‌سازی حکومت در مقابل حملات نظامی و تقویت سلطه خود در خاورمیانه و فراتر از آن تلاش می‌کند.»

فاکس‌نیوز که به نسخه‌ای از این گزارش دست یافته، افزوده که در این گزارش همچنین آمده است: «برنامه توسعه سلاح هسته‌ای ایران به مراحل پیشرفته‌ای رسیده و این کشور دارای زرادخانه رو به رشدی از راکت‌های بالستیک دوربرد است که توانایی حمل کلاهک‌های هسته‌ای را دارند.»

در این سند اطلاعاتی که در اختیار فاکس‌نیوز دیجیتال قرار گرفته، گفته شده است: «جمهوری اسلامی شبکه‌های پیشرفته‌ای برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کرده که این شبکه‌ها به نفع روسیه نیز عمل کرده‌اند.»

به‌نوشته فاکس‌نیوز، یافته‌های اطلاعاتی اتریش می‌تواند روند مذاکرات امریکا و جمهوری اسلامی برای حل بحران هسته‌ای را با مشکل مواجه کند؛ چرا که داده‌های ارائه‌شده در این گزارش نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی قصد ندارد از تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای صرف‌نظر کند.

در واکنش به این گزارش، یکی از مقامات کاخ سفید به فاکس‌نیوز دیجیتال گفت: «رئیس‌جمهوری ترامپ متعهد است که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای یا ظرفیت ساخت آن دست پیدا نکند.»

در این گزارش ۲۱۱ صفحه‌ای که به تهدیدهای جدی علیه دموکراسی اتریش می‌پردازد، ۹۹ بار به جمهوری اسلامی به‌عنوان یک حکومت حامی تروریسم دولتی و دارای برنامه غیرقانونی تسلیحات هسته‌ای اشاره شده است.

در گزارش دفتر فدرال حفاظت از قانون اساسی اتریش، گفته شده است: «وین میزبان یکی از بزرگ‌ترین سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در اروپا است که در آن افسران اطلاعاتی با پوشش دیپلماتیک فعالیت می‌کنند.» در این گزارش همچنین آمده است: «سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در توسعه و اجرای راهکارهای دور زدن تحریم‌ها، خرید تجهیزات نظامی، فناوری‌های حساس به اشعه و مواد مورد استفاده در تولید سلاح‌های کشتار جمعی، مهارت و تجربه بالایی دارند.»

در سال ۲۰۲۱، یک دادگاه در بلژیک اسدالله اسدی، دیپلمات جمهوری اسلامی مستقر در وین را به‌دلیل برنامه‌ریزی برای بمب‌گذاری در یک گردهمایی سازمان مجاهدین خلق در حومه پاریس در سال ۲۰۱۸ محکوم کرد. این مراسم میزبان رودی جولیانای شهردار سابق نیویورک و وکیل شخصی دونالد ترامپ نیز بود.

تفاوت گزارش‌های اطلاعاتی اروپا با امریکا

دیوید آلبرایت، فیزیک‌دان و رئیس مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل در واشینگتن، درباره تفاوت ارزیابی بین گزارش دفتر اطلاعات ملی ایالات متحده و دفتر فدرال حفاظت از قانون اساسی اتریش به فاکس‌نیوز دیجیتال گفت: «گزارش دفتر اطلاعات ملی امریکا در گذشته گیر کرده و بازمانده‌ای از ارزیابی اشتباه و غیرمحرمانه سال ۲۰۰۷ است.»

او افزود: «گزارش اتریش در کل مشابه ارزیابی‌های المان و بریتانیا است. هر دو کشور در سال ۲۰۰۷ به جامعه اطلاعاتی امریکا اعلام کردند که ارزیابی این نهاد مبنی بر توقف برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ اشتباه است.» به گفته آلبرایت، «ارزیابی المان از سوی رئیس وقت ایستگاه سرویس اطلاعات فدرال المان (BND) در واشینگتن مطرح شد و اطلاعات بریتانیا نیز از زبان یکی از مقامات ارشد ضد اشاعه بریتانیا مطرح شد. المانی‌ها می‌گفتند امریکائی‌ها داده‌هایی را که همه در اختیار داشتند، اشتباه تفسیر کرده‌اند.» آلبرایت گفت: «یافته‌های اطلاعاتی اتریش مبنی بر ادامه برنامه فعال تسلیحات هسته‌ای ایران، کاملاً شفاف و قابل توجه است.»

سخن‌گوی دفتر اطلاعات ملی امریکا از اظهارنظر در این باره خودداری کرد و وزارت امور خارجه امریکا و شورای امنیت ملی ایالات متحده نیز به پرسش‌های فاکس‌نیوز دیجیتال در این زمینه پاسخی ندادند. فاکس‌نیوز دیجیتال در سال ۲۰۲۳ اسناد اطلاعاتی جدیدی را منتشر کرد که نشان می‌داد جمهوری اسلامی تلاش کرده با دور زدن تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا، فناوری مورد نیاز برای برنامه سلاح هسته‌ای خود را تامین و به سمت آزمایش بمب اتمی حرکت کند.

بر اساس گزارش‌های نهادهای اطلاعاتی اروپائی، جمهوری اسلامی هم پیش از توافق برجام در سال ۲۰۱۵ و هم پس از آن، تلاش‌های خود را برای دستیابی غیرقانونی به فناوری‌های مورد استفاده در برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیائی ادامه داده است.

گزارش اطلاعاتی اتریش، همچنین به ارسال تسلیحات از سوی حکومت ایران برای گروه‌های تروریستی مورد تحریم امریکا مانند حماس و حزب‌الله، و نیز شبه‌نظامیان سوری اشاره کرده است.



فایننشال تایمز: جمهوری اسلامی برای بدترین سناریوی احتمالی آماده می‌شود

بر اساس یک گزارش نظامی با عکس‌ها و طرح‌هایی که در «فایننشال تایمز» روز یکشنبه ۱ ژوئن ۲۰۲۵ منتشر شده، تحلیل تصاویر ماهواره‌ای به‌دست آمده و اطلاعات منابع امنیتی غربی نشان می‌دهد که حکومت ایران در هفته‌های اخیر، سامانه‌های راکتی زمین به هوا و تجهیزات راداری خود را به نطنز، فردو و اطراف اصفهان منتقل کرده و ساختار دفاعی خود را چندلایه و قابل تحرک کرده است.

تحلیلگران نظامی غربی می‌گویند این تحرکات به ویژه برای مقابله با حملات احتمالی توسط جنگنده‌های پیشرفته اسرائیلی مانند F-35 و F-15 طراحی شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران سامانه‌هایی نظیر «باور-۳۷۳» (الهام‌گرفته از S-300 روسی)، سامانه «سوم خرداد» و «۱۵ خرداد» را در موقعیت‌هایی نزدیک به مراکز هسته‌ای مستقر کرده

است. این سامانه‌ها توان رهگیری اهداف در ارتفاع بالا و بلندبرد را دارند و از نظر طراحی برای پاسخ به سناریوهای حمله چندمرحله‌ای هوایی توسعه یافته‌اند.

به گفته منابع غربی، بسیاری از این سامانه‌ها به صورت متحرک طراحی شده‌اند تا در برابر حملات دقیق یا راکت‌های کروز از قابلیت محافظت از خود برخوردار باشند. علاوه بر این، موقعیت برخی از این سامانه‌ها به گونه‌ای انتخاب شده که از زوایای مختلف، تاسیسات کلیدی از جمله تاسیسات غنی‌سازی در عمق زمین را پوشش دهند. این آرایش دفاعی، تنها یک اقدام پیش‌گیرانه نیست. بر اساس گزارش «فایننشال تایمز» در سال ۲۰۲۴، چندین حمله سایبری و راکتی اسرائیل موجب آسیب به زیرساخت‌های نظامی و پدافندی ایران شده است. در پاسخ، جمهوری اسلامی نه تنها این سامانه‌ها را بازسازی کرده، بلکه شکل استقرار آن‌ها را تغییر داده تا احتمال انهدام در موج نخست حمله را کاهش دهد. همزمان، نمایش‌های نظامی عمومی و رزمایش‌های پدافندی برای ارسال پیام بازدارنده به مخاطبان داخلی و خارجی برگزار کرده است.

در بخش دیگری از این گزارش، تحلیل‌گران نظامی تاکید می‌کنند که اگر اسرائیل یا آمریکا قصد داشته باشند به‌طور موثر برنامه هسته‌ای حکومت ایران را متوقف کنند، ناچار به اجرای یک کارزار هوایی پیچیده، هماهنگ و پرخطر خواهند بود. این حمله باید با موج اول برای کوبیدن سامانه‌های پدافندی آغاز شود و سپس با استفاده از بمب‌افکن‌های دوربرد یا جنگنده‌های رادارگریز به تاسیسات زیرزمینی ایران حمله شود. اما چنین عملیاتی با خطرات جدی همراه است: از جمله امکان سرنگونی یا اسارت خلبانان، پاسخ تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی در منطقه (مانند حملات راکتی یا فعال ساختن گروه‌های نیابتی)، و بی‌ثباتی احتمالی در خلیج فارس.

گزارش همچنین اشاره می‌کند که آمریکا اخیراً بمب‌افکن‌های رادارگریز B-2 را به پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند منتقل کرده است؛ اقدامی که از دید تحلیل‌گران نظامی نشانه آمادگی برای اجرای عملیات در صورت شکست دیپلماسی است.

همزمان با این تحرکات نظامی، دور جدیدی از مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی و آمریکا با هدف محدود ساختن سطح غنی‌سازی و بازگرداندن نظارت آژانس بر تاسیسات هسته‌ای ایران در حال انجام است. اما به باور منابع مطلع، پیشرفت در این گفت‌وگوها کند و شکننده است.

از نگاه ناظران غربی، تحرکات پدافندی جمهوری اسلامی نشانه‌ای از آمادگی برای بدترین سناریوی احتمالی است: شکست مذاکرات و آغاز درگیری. این در حالیست که اسرائیل نیز با صراحت از احتمال اقدام یکجانبه بدون هماهنگی با آمریکا سخن گفته است.

به گزارش «فایننشال تایمز»، برآیند این تحولات، چشم‌انداز تابستانی پرمخاطره در منطقه است. در حالی که مذاکرات همچنان ادامه دارد، هرگونه اشتباه محاسباتی یا حمله محدود می‌تواند به درگیری گسترده بیانجامد. حکومت ایران با استقرار دوباره سامانه‌های پدافند هوایی، این پیام را ارسال می‌کند: اگر حمله‌ای در کار باشد، بدون هزینه خواهد بود!



ظرفیت دفاعی و تهاجمی ایران و اسرائیل چه قدر است؟

در پی حمله جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل که نزدیک به ۲۰۰ راکت بالستیک پرتاب کرد، و نشان‌دهنده تشدید درگیری میان این دو دشمن دیرینه است، ترس و نگرانی از وقوع جنگی تمام‌عیار در سراسر خاورمیانه رو به افزایش است.

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد که این راکت‌پرانی در پاسخ به عملیات نظامی ارتش اسرائیل علیه حزب‌الله، گروه شبه‌نظامی تحت حمایت تهران، از جمله حمله زمینی به لبنان بود.

در ۱۷ سپتامبر، در مجموعه حملات انفجار دستگاه‌ها، بی‌سیم‌ها و پیجرهای اعضای حزب‌الله منفجر شدند، که بیش از ۲۳۰۰ مجروح به جا گذاشت و به تشدید جدی تنش‌ها میان دو کشور منجر شد.

از آن زمان، تعدادی از فرماندهان ارشد، از جمله حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله، کشته شده‌اند، و در همین حال، نیروهای اسرائیلی بیروت و مناطق مرزی جنوب لبنان را هدف حملات هوایی قرار داده‌اند.

پس از ماه‌ها ردوبدل شدن تهدیدهای تندوتیز، ایران راکت‌هایی به نقاط مختلف در سراسر اسرائیل شلیک کرد که باعث شد آذیرهای خطر حمله هوایی در سراسر این کشور به صدا درآید و غیرنظامیان در پناهگاه‌های بمب پناه بگیرند.

بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، وعده تلافی داده و گفته است ایران «تاوانش را خواهد داد»- اما دو کشور چقدر برای جنگ آمادگی دارند؟

آماري که اندیشکده موسسه بین‌المللی مطالعات ستراتیژی (IISS) منتشر کرده است نشان می‌دهد اسرائیل ۱۶۹ هزار و ۵۰۰ نیروی فعال و یک ارتش ذخیره شامل ۴۶۵ هزار نیرو در اختیار دارد. افرادی که در حال حاضر در خدمت‌اند ۱۲۶ هزار نفر در ارتش، ۹۵۰۰ نفر در نیروی دریایی و ۳۴ هزار نفر در نیروی هوایی را شامل می‌شوند.

در همین حال، ایران ۶۱۰ هزار نیروی فعال دارد که ۵۳۰ هزار نفر در ارتش، ۱۹۰ هزار نفر در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و ۱۵ هزار نفر در پدافند هوایی و ۱۸ هزار نفر در نیروی دریایی را شامل می‌شود. ایران همچنین با توجه به خدمت سربازی اجباری برای مردان ایرانی بالای ۱۸ سال، یک نیروی ذخیره ۳۵۰ هزار نفری دیگر در اختیار دارد، در حالی که اسرائیل بیشتر زنان و مردان جوان بالای ۱۸ سال را، با لحاظ برخی معافیت‌ها، به خدمت سربازی فرا می‌خواند.

هر کدام چه قدر برای نیروی نظامی‌اش هزینه می‌کند؟

گفته می‌شود که ایران در سال ۲۰۲۳، مبلغ ۱۰.۳ میلیارد دلار هزینه کرده است، در حالی که اسرائیل در سال گذشته ۲۷.۵ میلیارد دلار هزینه کرده است. در شرایطی که اسرائیل در پی جنگ غزه هدف حملات بیشتر قرار گرفته است، این رقم افزایش ۲۴ درصدی (بودجه نظامی) در دولت بنیامین نتانیا هو را نشان می‌دهد.

توانمندی هوایی، دریایی و زمینی دو کشور چه قدر است؟

بر اساس گزارش «توازن نظامی ۲۰۲۳» که موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژی منتشر کرده است، ایران ۱۷ زیردریایی تاکتیکی، ۶۸ قایق گشتی و جنگنده ساحلی و همین‌طور ۱۲ ناو آب‌خاکی و ۱۱ ناوچه آب‌خاکی در اختیار دارد.

اسرائیل دارای پنج زیردریایی و ۴۹ قایق گشتی و جنگنده ساحلی است، در حالی که نیروی هوایی‌اش از ۳۴۵ جنگنده رادارگریز پیشرفته اف-۳۵ ساخت آمریکا و ۴۳ هلیکوپتر تهاجمی بهره می‌برد.

اسرائیل همچنین حدود ۴۰۰ تانک جنگی، ۳۵۰ آتشبار توپخانه و بیش از ۱۱۹۰ نفر بر زرهی در اختیار دارد. در همین حال، ایران به ۳۱۲ هواپیمای جنگی عملیاتی متکی است، که بیشتر جنگنده‌های قدیمی‌تر روسی مانند سوخو و میگ را شامل می‌شود. برآورد می‌شود که ایران ۱۰ هزار و ۵۱۳ تانک جنگی، ۶۷۹۸ آتشبار توپخانه و ۵۰ هلیکوپتر داشته باشد، در حالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران نیز پنج هلیکوپتر دیگر در اختیار دارد.

این کشورها چگونه از خود دفاع می‌کنند؟

یکی از بزرگ‌ترین سازوکارهای دفاعی اسرائیل گنبد آهنین است، یک سامانه راداری که راکتی را که نزدیک می‌شود، سرعت و مسیرش را شناسایی می‌کند و تشخیص می‌دهد آیا خطری برای غیرنظامیان اسرائیلی ایجاد می‌کند یا خیر. اگر تشخیص داده شود که پرتابه خطری ایجاد می‌کند، مرکز کنترل به واحد شلیک راکت اجازه می‌دهد تا راکت‌هایی برای ساقط کردنش پرتاب کند، و گفته می‌شود که ۹۰ درصد کارائی دارد.

در حمله شامگاه سه‌شنبه تهران، گنبد آهنین مسئولیت رهگیری بیشتر راکت‌ها را بر عهده داشت، در حالی که سایر سامانه‌ها از جمله فلاخن داوود و سامانه پیکان (ختس) که راکت‌های با بردهای متفاوت را رهگیری می‌کنند نیز فعال بودند.

در فوریه سال جاری، ایران سامانه کوتاه‌برد آذرخش را مستقر کرد، یک سامانه شناسایی مادون قرمز دارای رادار که اهدافی را که نزدیک می‌شوند شناسایی و رهگیری می‌کند. ایران همچنین دارای تعدادی سامانه پدافند راکتی است، که ۴۲ سامانه دوربرد اس-۲۰۰ و اس-۳۰۰ ساخت روسیه و سامانه بومی باور-۳۷۳، و ۲۷۹ سامانه کوتاه‌برد سی‌اچ‌اس‌ای-۴ (CH-SA-4) و کی-۳۱ تورام (K331 Tor-M19) ساخت چین را شامل می‌شود.

آیا ایران و اسرائیل تسلیحات هسته‌ای دارند؟

برآورد می‌شود که اسرائیل ۹۰ کلاهک هسته‌ای در زرادخانه‌اش داشته باشد، در حالی که تصور بر این است که ایران هنوز سلاح هسته‌ای در اختیار ندارد، اما یک برنامه هسته‌ای پیشرفته دارد.

اختلافات آمریکا و اسرائیل

ایالات متحده در اقدامی کم سابقه با هشدار صریح به بنیامین نتانیا هو، از او خواست از هرگونه اقدام نظامی علیه ایران خودداری کند تا مذاکرات هسته‌ای حساس با تهران به خطر نیفتد. دونالد ترامپ از پیشرفت گفت‌وگوها خبر داد، اما اختلافات واشنگتن و تل‌آویو بر سر ایران و غزه، سایه‌ای بر روابط دو متحد قدیمی انداخته است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، در گفت‌وگویی با خبرنگاران در کاخ سفید این پیام را صراحتاً منتقل کرد و گفت: «در حال حاضر چنین اقدامی مناسب نیست، چون ما به یک راحل بسیار نزدیک هستیم.» او با اشاره به گفت‌وگوهای جاری با ایران افزود: «ما مذاکرات بسیار خوبی با ایران داشته‌ایم و فکر می‌کنم آن‌ها هم مایل به توافق هستند. اگر بتوانیم به توافقی برسیم، جان‌های زیادی نجات پیدا خواهد کرد.»

ترامپ در پاسخ به پرسشی مستقیم درباره هشدارش به نتانیاهو گفت: «بله، من این را به او گفتم. سوال بعدی!» او با لحنی قاطع ادامه داد: «به نتانیاهو گفتم که در این مقطع، اقدام نظامی نامناسب است، چون ما در آستانه حل مسأله هستیم.»

شکاف فزاینده میان واشنگتن و تل‌آویو

اختلافات میان ایالات متحده و اسرائیل بر سر نحوه مواجهه با ایران و مدیریت بحران غزه، به یکی از چالش‌های اصلی روابط دو متحد دیرینه تبدیل شده است. این اختلافات ریشه در تفاوت‌های سیاسی و اولویت‌های متضاد دو طرف دارد. در حالی که ترامپ در دومین دوره ریاست‌جمهوری خود به دیپلماسی با ایران متمایل شده و ظاهراً به دنبال توافقی برای مهار برنامه هسته‌ای تهران است، نتانیاهو همچنان بر رویکردی تهاجمی و نظامی اصرار دارد. او معتقد است که هرگونه توافق با ایران، حتی با نظارت دقیق، نمی‌تواند تهدید هسته‌ای تهران را به‌طور کامل خنثی کند. این دیدگاه با سخنان اخیر نتانیاهو در «سندیکای خبری یهود» همخوانی دارد که خواستار نابودی زیرساخت‌های غنی‌سازی اورانیوم ایران و جلوگیری از توسعه راکت‌های بالستیک آن شده بود. در مقابل، رویکرد دیپلماتیک ترامپ نشان‌دهنده تغییر نسبی از سیاست «فشار حداکثری» دوره اول ریاست‌جمهوری اوست. واشنگتن اکنون به دنبال توافقی است که نه تنها برنامه هسته‌ای ایران را محدود کند، بلکه از تنش‌های نظامی در منطقه بکاهد. این تغییر رویکرد، به‌ویژه پس از حملات مستقیم ایران به اسرائیل در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴، که با واکنش‌های محدود اسرائیل همراه بود، به‌عنوان تلاشی برای جلوگیری از یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای تفسیر می‌شود.

غزه: نقطه اختلاف دیگر

علاوه بر ایران، بحران غزه نیز به محل اختلاف میان واشنگتن و تل‌آویو تبدیل شده است. در حالی که اسرائیل در مارس ۲۰۲۵ تهاجم گسترده‌ای را در غزه آغاز کرد و با اعمال محاصره کامل، بحران انسانی را تشدید کرده، ترامپ خواستار آتش‌بس و بازسازی غزه به‌عنوان «ریویرای خاورمیانه» شده است. این پیشنهاد با دیدگاه نتانیاهو، که به دنبال کنترل نظامی بلندمدت غزه و استقرار نیروهای امنیتی خصوصی در این منطقه است، در تضاد قرار دارد. منابع امریکایی گزارش داده‌اند که ترامپ از تهاجم جدید اسرائیل به غزه ناخشنود است، زیرا معتقد است این اقدامات بازسازی منطقه را دشوارتر می‌کند. این اختلافات، همراه با انتقادات بین‌المللی از اقدامات اسرائیل در غزه، از جمله محاصره کمک‌های بشردوستانه و حملات به غیرنظامیان، فشار بر روابط دوجانبه را افزایش داده است. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که حتی متحدان سنتی اسرائیل، مانند آلمان، به انتقاد از سیاست‌های تل‌آویو در غزه پرداخته‌اند.

در غزه هم تداوم عملیات نظامی اسرائیل و محاصره انسانی، خطر گسترش درگیری‌ها به دیگر نقاط منطقه، از جمله لبنان و سوریه را افزایش داده است. حملات اخیر اسرائیل به اهداف ایرانی در سوریه و لبنان و غزه، و پاسخ‌های محدود ایران، نشان‌دهنده تلاش دو طرف برای اجتناب از یک رویارویی مستقیم است. با این حال، هرگونه اقدام نظامی اسرائیل علیه ایران، به‌ویژه در شرایط کنونی، می‌تواند به تشدید تنش‌ها و حتی درگیری گسترده منجر شود.

آینده روابط امریکا و اسرائیل به نحوه مدیریت این اختلافات بستگی دارد. اگرچه دو طرف همچنان به‌عنوان متحدان نزدیک شناخته می‌شوند، اما تفاوت در اولویت‌ها و ستراتیژی‌ها می‌تواند به کاهش هماهنگی در سیاست‌گذاری منجر

شود. برای واشنگتن، حفظ توازن بین حمایت از اسرائیل و پیگیری دیپلماسی با ایران، چالشی کلیدی خواهد بود. در مقابل، نتانیاهو با فشارهای داخلی و بین‌المللی مواجه است تا از تشدید تنش‌ها خودداری کند، به‌ویژه در زمانی که افکار عمومی جهانی به‌دلیل بحران انسانی در غزه به‌شدت علیه اسرائیل متمایل شده است.

اختلاف بر سر حوثی‌های یمن

دونالد ترامپ درست دو روز پس از آن‌که راکت حوثی‌ها به نزدیکی فرودگاه بن‌گوریون تل‌آویو اصابت کرد و اسرائیل نیز حملاتی را علیه مواضع این گروه شبه‌نظامی در یمن آغاز کرد، از توقف حملات امریکا به حوثی‌ها خبرداد و گفت که این گروه اعلام کرده که دیگر به کشتی‌های امریکائی حمله نمی‌کند و امریکا نیز در پاسخ، حملات خود را به مواضع این گروه متوقف می‌کند.

به گزارش ان‌بی‌سی نیوز، بنیامین نتانیاهو از این اقدام ترامپ شوکه شد. نخست‌وزیر اسرائیل سپس طی پیامی ویدیویی گفت که اسرائیل به تنهایی از خودش دفاع می‌کند.

اما ناراحتی اصلی نتانیاهو از سخنان رئیس‌جمهوری امریکا وقتی بود که دونالد ترامپ گفت که هنوز درباره این که آیا تهران در توافق احتمالی جدید اجازه غنی‌سازی اورانیوم خواهد داشت یا نه، تصمیم نگرفته است.

بنابر این گزارش، ران درمر، وزیر امور ستراتیژی اسرائیل و از مشاوران نزدیک نتانیاهو در سفر به واشنگتن و دیدار با استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه در کاخ سفید، ناراحتی نخست‌وزیر اسرائیل را منتقل کرد. در همین راستا، دو مقام حماس در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه تأیید کردند که جلسات مذاکره مستقیم را با مقامات امریکائی در دوحه، پایتخت قطر برگزار کردند.

همچنین، حماس عیدان الکساندر، گروگان اسرائیلی-امریکائی را آزاد کرد. ترامپ در شبکه اجتماعی «تروت سوشال» آزادی آقای الکساندر را اقدامی از روی «حسن نیت» در برابر امریکا و همچنین نتیجه تلاش‌های میانجی‌گران قطری و مصری دانست.

خسارت ناشی از ماجراجوئی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

سرمایه‌گذاری کلانی که برای ماجراجوئی هسته‌ای جمهوری اسلامی انجام شده نه تنها تا امروز کوچک‌ترین منفعتی برای مردم ایران نداشته، بلکه صدها میلیارد دالر به اقتصاد ایران آسیب زده و خسارت به بار آورده است. خزانه‌داری امریکا در سال ۱۳۹۴ حجم این خسارت‌ها را ۵۰۰ میلیارد دالر برآورد کرده بود.

موسسه کارنگی نیز در سال ۱۳۹۲ خسارت ناشی از ماجراجوئی هسته‌ای جمهوری اسلامی به‌ویژه در بخش کاهش درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را ۱۰۰ میلیارد دالر برآورد کرد.

این برآورد خسارت پیش از به دست آمدن توافق هسته‌ای بود. روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی در دی‌ماه ۱۳۹۵ (پس از اجرای برجام)، نوشت که هزینه تحریم‌های ناشی از برنامه‌های هسته‌ای برای ایران ۴۰۰ میلیارد دالر بوده است.

با این وجود مقامات جمهوری اسلامی همچنان بر دنبال کردن برنامه‌های هسته‌ای و بومی‌سازی آن در حالی که ایران به دلیل کمبود منابع اورانیوم همواره به واردات منابع نیاز خواهد داشت، اصرار می‌کنند. قرارداد توسعه فازهای ۲ و ۳ نیروگاه بوشهر هم از سال ۱۳۹۵ با طرف روسی که کارنامه روشنی در روند تحویل فاز یک دارد، منعقد شده است.

پافشاری بر ادامه چنین رویکردی که هزینه‌ها و خسارت‌های آن به اثبات رسیده، در ایجاد بازدارندگی مورد ادعای تهران ناتوان بوده و دستاوردی جز تحریم و فشار برای مردم ایران نداشته است، این پرسش را پدید می‌آورد که اگر مقامات تصمیم‌ساز جمهوری اسلامی در ماجراجوئی هسته‌ای به دنبال منافع ملی نیستند، چه هدفی را جز برنامه‌های هسته‌ای زیرزمینی و ادامه حیات در دل بحران دنبال می‌کنند؟

با این وجود، هزینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز مانند پیشینه آن مبهم است. تناقض‌گویی‌ها و اختلاف عدد و رقم‌های اعلام شده از سوی مقامات به اندازه‌ای زیاد است که گاه اختلاف ارقام به چند میلیارد دالر می‌رسد. برای مثال محمد سعیدی، معاون اسبق سازمان انرژی اتمی هزینه برنامه‌های هسته‌ای ایران را کمتر از دو میلیارد دالر اعلام کرده بود.

اما صالحی پنج سال قبل هزینه نیروگاه بوشهر را پنج میلیارد دالر و هزینه تاسیسات هسته‌ای نطنز و اراک را دو و نیم میلیارد دالر اعلام کرد. او در اسفند ۱۳۹۹، در گفت‌وگو با ایرنا مدعی شد کل هزینه ۳۰ سال گذشته سازمان انرژی اتمی ۵.۶ تا ۷ میلیارد دالر بوده است.

صالحی در همین مصاحبه به ایرنا می‌گوید که نیروگاه بوشهر پنج میلیارد دالر می‌ارزد و ۷۰۰ میلیون دالر در سال ارزش افزوده ایجاد می‌کند. به این معنی که با تعطیلی نیروگاه بوشهر همین میزان سرمایه و به گفته او «ارزش افزوده» از بین می‌رود.

این در حالی است که محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور سابق ایران در یادداشتی درباره خروج امریکا از برجام نوشته بود، «بیش از ۳۰ میلیارد دالر تاسیسات هسته‌ای متوقف یا از دور خارج شد.»

در تائید هزینه‌های هنگفت برنامه‌های هسته‌ای ایران؛ علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی پس از امضاء برجام در نامه‌ای خطاب به حسن روحانی، رئیس‌جمهور نوشت: «در برابر معامله انجام شده، هزینه‌های سنگینی پرداخت شده است.»

برخی منابع امنیتی در اسرائیل نیز هزینه ساخت و نگهداری تاسیسات هسته‌ای ایران را ۴۰ میلیارد دالر برآورد می‌کنند.



نتیجه‌گیری

جواب دو سؤال که در زیر کمی توضیح می‌دهم بسیار مهم و در عین حال پیچیده است، چون توافق یا عدم توافق ایران و امریکا بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تأثیرات گسترده‌ای هم در داخل ایران و هم در سطح منطقه و جهان دارد. دو سؤال و یا دو سناریوی احتمالی عبارتند از:

اگر توافق حاصل شود:

*کاهش تحریم‌ها: تحریم‌های اقتصادی به‌تدریج کاهش می‌یابد یا تعلیق می‌شود، که می‌تواند باعث بهبود نسبی شرایط اقتصادی، افزایش صادرات نفت و ورود ارز به کشور شود.

*تقویت ارزش ریال: با کاهش فشار تحریم‌ها، ارزش پول ملی ممکن است تقویت شود و تورم کاهش یابد.

*افزایش سرمایه‌گذاری خارجی: شرکت‌های بین‌المللی که منتظر ثبات سیاسی و حقوقی هستند، ممکن است وارد بازار ایران شوند، مخصوصاً در بخش انرژی، حمل‌ونقل و فناوری.

*افزایش نفوذ دیپلماتیک ایران: توافق می‌تواند بهبود روابط ایران با اروپا، آسیا و حتی کشورهای منطقه را در پی داشته باشد.

*تقویت جریان‌های معتدل در سیاست داخلی: یک توافق موفق احتمالاً به نفع گروه‌های سیاسی‌ای خواهد بود که به تعامل با جهان اعتقاد دارند.

اگر توافق حاصل نشود:

*ادامه یا تشدید تحریم‌ها: امریکا و متحدانش ممکن است تحریم‌های بیشتری اعمال کنند، و فشار اقتصادی بیشتر خواهد شد.

*افزایش فشار اجتماعی و سیاسی در داخل: بحران‌های اقتصادی ممکن است باعث نارضایتی عمومی، اعتراضات و بی‌ثباتی داخلی شود.

*افزایش تنش نظامی یا امنیتی: احتمال درگیری‌های نیابتی در منطقه یا حتی اقدامات نظامی مستقیم (هرچند غیرممکن) بیشتر می‌شود.

*تشدید مشکلات اقتصادی داخلی: تورم، بیکاری، کاهش ارزش ریال، و محدودیت‌های مالی ادامه خواهد یافت یا بدتر می‌شود.

در چنین وضعیتی، اوضاع ایران از هر نظر وخیم است از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی. عیسی کلانتری، وزیر سابق کشاورزی و از مقامات باسابقه در دولت‌های جمهوری اسلامی، اعلام کرده است: «در این ۴۶ سال، ایران را نابود کرده‌ایم.»

کلانتری در گفت‌وگویی صریح با سایت انتخاب با اشاره به گسترش بی‌سابقه فقر در کشور، گفته است: «حدود سه‌چهارم مردم ایران یعنی چیزی بین ۷۰ تا ۷۵ درصد- زیر خط فقر زندگی می‌کنند.»

این آمار بهروشنی با آمار رسمی فاصله زیادی دارد، چرا که منابع رسمی معمولاً از ۳۰ تا ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر سخن می‌گویند.

کلانتری، همچنین هشدار داده است که بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی کشور، به فرونشست شدید زمین در برخی مناطق منجر شده، به‌طوری که اکنون بخش‌هایی از شهر اصفهان عملاً «روی شش متر هوا» قرار گرفته‌اند.

مسعود روغنی زنجانی، رئیس پیشین سازمان برنامه و بودجه، که گفته بود خامنه‌ای اصولاً مخالف رفاه مردم است چون فکر می‌کند رفاه مردم را بی‌دین می‌کند.

نکته کلیدی در این نوع اظهارات این است که زمزمه‌های انتقادی از درون حکومت و از سوی کسانی مطرح می‌شود که خود در پدید آمدن این وضعیت نقش داشته‌اند. اهمیت آن در این است که این صداها، معترض، هر روز بلندتر می‌شوند و به‌صورت مستقیم، سیاست‌های رهبر جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه پاسداران را زیر سؤال می‌برند.

عیسی کلانتری در حالی چنین آماری را اعلام می‌کند که به‌وضوح، مخاطب اصلی انتقادهای او رهبر جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه است حتی اگر نام آن‌ها را مستقیماً نبرد.

عیسی کلانتری با آمار تکان‌دهنده ۷۵ درصد جمعیت زیر خط فقر، عملاً روایت رسمی جمهوری اسلامی را به چالش می‌کشد. این در حالی است که خود او نیز سال‌ها در راس ساختار حکومتی حضور داشته و نمی‌توان نقش او را در رسیدن به وضعیت فعلی انکار کرد.

با این حال، سخنان او بازتابی از بحرانی عمیق‌تر است: اکنون نه فقط از سوی مردم معترض در خیابان، بلکه از درون حاکمیت نیز شنیده می‌شود. این همان شکافی است که طی سال‌های اخیر با خیزش‌های مردمی متعدد، هر روز عمیق‌تر شده و انسجام حکومت را زیر سؤال برده است.

اما مسأله به این‌جا ختم نمی‌شود. یکی از موانع جدی بهبود اوضاع اقتصادی، مخالفت خامنه‌ای و سپاه با تصویب کامل FATF است. دلیل اصلی این مخالفت، جلوگیری از افشای مبادلات مالی برای حمایت از گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله، حماس، شیعیان عراق، جهاد اسلامی و حوثی‌هاست. چون در صورت پذیرش شفافیت مالی، امکان پول‌شویی و انتقال‌های مخفیانه پول برای آن‌ها از بین می‌رود. برای ساختاری که خود متهم به حمایت مالی از گروه‌های تروریستی است، شفافیت چیزی جز تهدید نیست.

در راس این «باند‌های مافیائی»، فرماندهان سپاه قرار دارند. به گفته محمدحسین عادلی، رئیس پیشین بانک مرکزی، حجم این رانت‌ها و ضررها و فسادهای ناشی از تحریم بالغ بر ۵۰ میلیارد دالر است.

بخش آگاه جامعه ایران به‌خوبی آگاه است که سپاه پاسداران و باند‌های نزدیک به مقامات عالی‌رتبه حاکمیت به‌عنوان فروشنده اصلی نفت، به اسم دور زدن تحریم‌ها، سود اصلی تحریم‌ها را به جیب می‌زنند، در حالی که هزینه این مسیر را مردم با فقر و بیکاری می‌پردازند. به عبارت دیگر، این تحریم‌های اقتصادی عمدتاً بر علیه مردم است نه حاکمیت. به همین دلیل در این دهه‌ها، نیروهای چپ اپوزیسیون جمهوری اسلامی در مخالفت با تحریم‌های اقتصادی به تحریم‌های سیاسی جمهوری اسلامی تاکید ورزیده‌اند.

شکاف‌های درونی حاکمیت، از جمله اختلافات افرادی مانند روحانی با خامنه‌ای، اگرچه ریشه در رقابت‌های قدرت دارد، اما فرصتی فراهم کرده که افکار عمومی، هرچه بیش‌تر به واقعیت پشت پرده حاکمیت آگاهی پیدا کند.

در چنین شرایطی، اعتراض و اعتصاب اقشار مختلف مردم ایران از کارگران، معلمان، پرستاران، زنان، دانشجویان و بازنشستگان گرفته تا کامیون‌داران و و کشاورزان روزبه‌روز در حال گسترش است. بحران‌های اقتصادی جامعه ایران به جایی رسیده که حل‌شدنی نیست.

در واقع جمهوری اسلامی ایران چه با امریکا توافق کند و چه نکند چندان تغییری در وضعیت مردم پیش نخواهد آمد به همین دلیل، اکثریت مردم ایران به دنبال رامکارهایی هستند که بتوانند برای همیشه از شر این حکومت تبهکار رها شوند.

نهایتاً توافق می‌تواند فرصت‌هایی ایجاد کند، ولی بدون اصلاحات ساختاری در اقتصاد و سیاست داخلی، این فرصت‌ها پایدار نخواهند بود. مهم‌تر از همه، سایه شوم جنگ از بالای سر مردم کنار می‌رود و در صورتی که کمی وضع اقتصادی و اجتماعی مردم بهبود پیدا کند در چنین روندی، مبارزه طبقاتی و عمومی جنبش‌های و اقشار مختلف مردم، برای کسب مطالبات بیش‌تر سازمان‌دهی‌تر و مداوم‌تر می‌گردد. اما عدم توافق اما می‌تواند به تشدید مشکلات موجود منجر شود و مردم را در موقعیت بدتر و سخت‌تری قرار دهد. اگر ایران به غنی‌سازی بالاتر ادامه دهد، کشورهای دیگر ممکن است از برجام جدا شوند و ایران را تحت فشار شدیدتری بگذارند و بروز جنگ ویرانگر یک احتمال است.

چهارشنبه چهاردهم خرداد-جوزا- ۱۴۰۴-چهارم جون ۲۰۲۵